مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۱۸ ، زمستان ۱۳۹۸جلد۲، ص ۲۶-۱۸
http://www.jase.ir

بررسی مولفه های نظریه هوش اجتماعی از دیدگاه گاردنر و ارائه راهکار برای افزایش آن

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۲۶-۱۸

مهرالله سرگلزایی[۱]، ابراهیم پهلوانی شیخی[۲]، سارا فیروزیان[۳]

[۱]هیات علمی و استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد زابل- زابل- ایران

[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد- روانشناسی تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل زابل- زابل- ایران

[۳]مدرس گروه روانشناسی و علوم تربیتی- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان- زاهدان- ایران

نویسنده مسئول:
مهرالله سرگلزایی

چکیده

هوش اجتماعی به عنوان یکی از انواع هوش نقشی مهم و به‌سزایی در ایفای نقش و پایگاه اجتماعی افراد برعهده دارد، روابط انسانی افراد تا حد شگفت‌آوری نه فقط رفتار و عملکرد انسان، بلکه اوضاع داخلی بدن را سازمان‌دهی می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی مولفه‌های هوش اجتماعی به ویژه از دیدگاه هاوارد گاردنر بوده است و در این راستا تلاش شده است راهکارهای کارآمد و عملیاتی در راستای افزایش هوش اجتماعی که در عصر حاضر به عنوان علمی جدید ظهور کرده است، ارائه شود. پژوهش حاضر مطالعه‌ای مروری است که اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای و از روش تحلیل و بررسی تعداد بسیار زیادی کتاب، مقاله، ترجمه مقالات لاتین و اینترنت جمع‌آوری شده است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داده است که توانایی رمزگشایی پیامهای غیرکلامی را می توان از نظر قانونی به عنوان بخشی از ساختار کلی هوش اجتماعی در نظر گرفت و همچنین بررسی‌ای انجام شده نشان داد که افراد دارای هوش بین فردی گاردنر که همان هوش اجتماعی نامگذاری شده است در سنجش هیجانات، انگیزه‌ها و تمایلات کسانی که دوروبرشان هستند مهارت دارند.

کلیدواژه:هوش اجتماعی، تعامل اجتماعی، روابط اجتماعی، هوش میان فردی،

مقدمه

یکی از گفتمان‌های غامض و بحث برانگیز در حوزه روانشناسی، موضوع هوش انسان است که تحقیقات و مطالعات در اکناف قوای عقلانی یا قابلیت‌های ذهنی انسان و همچنین نظریه پردازی روانشناسان این عرصه بیش از صد سال قدمت دارد. هوش[1] از لغت لاتین intellegere به معنای فهمیدن گرفته شده است. به معنی زیرکی، فراست، فهم، بینش، آگاهی، بصیرت نیز آورده شده است (آریان پور، ۱۳۸۷: ۱۱۳۰).

از هوش تعاریف مختلفی بیان شده است، به این علت که هوش به عنوان یک مفهوم انتزاعی گسترده و مبسوط در نظر گرفته می‌شود. مفهوم هوش یکی از چالش‌انگیزترین مفاهیم تاریخ روان‌شناسی بوده و هست. حتی تعریف هوش نیز کاری مشکل است چون تعریف شما مبتنی بر نظریه شما درباره هوش است و این نظریه‌ها خیلی با یکدیگر فرق دارند برخی از نظریه‌پردازان بر این باوراند که هوش یک جوهره‌ی واقعی ندارد بلکه فقط برچسبی است به آن چیزی که آزمون‌های هوش اندازه می‌گیرند. برخی از نظریه‌پردازان نیز استدلالشان این است که مفهوم هوش باید گسترده‌تر در نظر گرفته شود به طوری که هوش را توانایی یادگیری از تجارب، تفکر انتزاعی و برخورد کارآمد با محیط خود تعریف می‌کنند(ارجمند، رفیعی ۱۳۹۲).

دیدگاه‌های مختلفی در خصوص هوش وجود دارد که در اینجا به دو دیدگاه مهم اشاره می‌شود، دیدگاه اول، هوش را به عنوان یک توانایی کلی معرفی می‌کند در حالی که دیدگاه دوم، هوش را توانایی یا ظرفیتی می‌داند که از عناصر و فاکتورهای متفاوت و متنوعی تشکیل شده است(محبی امین، مهرام، ۱۳۹۳).

تا سال‌ها پیش روانشناسان هنگامی که از هوش سخن می‌گفتند قصد و هدف‌شان هوش عقلانی یا منطقی بود. آن‌ها می‌گفتند که هر چه بهره هوشی در فردی بالاتر باشد، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. اما در عمل، محققان در جامعه با افرادی مواجه شدند که به رغم نداشتن بهره هوشی بالا، انسان‌های موفقی بودند(طباطبایی، ۱۳۸۸).

به نظر نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی یکی از انواع هوش، هوش اجتماعی است که می توان آن را به عنوان عاملی برای تکامل مغز درنظر گرفت، برخی از فرضیه‌های روان‌شناسی هوش اجتماعی را به عنوان یک عامل اصلی در تکامل اندازه مغز برشمرده‌اند. یادگیری اجتماعی معمولاً به عنوان جنبه اصلی هوش اجتماعی در نظر گرفته می شود و نظریات هوش اجتماعی تاکید بر تعامل اجتماعی پیچیده داشته و آن را مسئول فشارهای انتخابی که برگرفته از هوشی برتر است می‌دانند. از جمله ویژگی‌های کارگزاران باهوش اجتماعی شامل: سازگاری، ظرفیت یادگیری و همچنین ظرفیت برای تولید و استفاده از مصنوعات و دستکاری نمادها است.

پیشینه تحقیق

ندا سبزی و فریده یوسفی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی الگوی علی هوش اجتماعی و خودکارآمدی عاطفی در مهارت‌های ارتباطی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که هوش اجتماعی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی عاطفی می‌باشد، همچنین هوش اجتماعی به واسطه خودکارآمدی عاطفی، مهارت‌های ارتباطی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داده است هوش اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم با واسطه‌ی خودکارآمدی عاطفی، مهارت ارتباطی را پیش‌بینی می‌کند.

داریوش اصغرزاده و محمدتقی محمودی (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان«رابطه بین هوش اجتماعی با نفوذ موثر کارکنان» انجام دادند که در این پژوهش مطالعه موردی کارکنان مدیریت درمان اداره کل تامین اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری بوده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری میان هوش اجتماعی و نفوذ مؤثر وجود دارد. در بررسی هم‌بس‌تگی میان هر یک از مؤلفه‌های هوش اجتماعی و مؤلفه‌های نفوذ مؤثر، مشاهده شد که مؤلفه‌های هوش اجتماعی با نفوذ موثر رابطه مثبت و معناداری دارند.

نتایج پژوهش علی یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) که رابطه‌ی هوش اجتماعی و مهارتهای ارتباطی کارکنان اداره آموزش و پرورش بررسی کرده بود، نشان داد که بین متغیرهای هوش اجتماعی و مهارت های ارتباطی رابطه مثبت ومعناداری وجود دارد .همچنین از بین مولفه های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارتهای اجتماعی و آگاهی های اجتماعی ، پردازش اطلاعات اجتماعی تاثیر بیشتری بر مهارت های ارتباطی دارد.

یافته‌های پژوهش حمید رحیمی و هماسادات افتخار، (۱۳۹۵) در بررسی هوش اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۹۴ نشان داد میانگین هر یک از مولفه های هوش اجتماعی از میانگین فرضی ۳ بیشتر بود. بالاترین میانگین مربوط به مولفه پردازش اطلاعات به

[1]. Intelligence

میزان ۳.۶۰±۰.۵۷ بود. همچنین بین هوش اجتماعی دانشجویان بر حسب جنسیت و دانشکده محل تحصیل، تفاوت معناداری وجود نداشت اما این تفاوت بر حسب مقطع تحصیلی معنادار بود ($P>0.05$)، نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد که طبق یافته‌ها میانگین هر یک از مولفه های هوش اجتماعی از میانگین فرضی، بیشتر و به نوعی مطلوب بود .این نشان می دهد دانشجویان می توانند تا حدود زیادی رفتار دیگران را پیش بینی، احساسات دیگران را درک، آرزوهای دیگران را بفهمند و خود را به راحتی با دیگران وفق دهند.

فخرالسادات نصیری ولیک بنی و همکاران، (۱۳۹۲) براساس یافته‌های پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین هوش اجتماعی کارکنان با میزان کاربست مؤلفه های سازمان یاددهنده در اداره کل ورزش و جوانان استان همدان رابطه مثبت و معنادار در سطح ۵٪ وجود دارد. در بررسی تاثیر هوش اجتماعی کارکنان بر میزان کاربست سازمان یاددهنده یافته ها نشان داد که میزان کاربست سازمان یاددهنده در نمونه ها با توجه به میزان آگاهی های اجتماعی کارکنان قابل پیش‌بینی است.

اکبر رضایی و احد خلیل‌زاده (۱۳۸۸) پژوهشی تحت عنوان«رابطه بین هوش اجتماعی مدیران با رضایت شغلی معلمان مدارس» انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین هوش اجتماعی مدیران و رضایت شغلی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین از بین سه مؤلفه هوش اجتماعی، مؤلفه مهارت‌های اجتماعی و پردازش اطلاعات اجتماعی بهترین پیش‌بین برای رضایت شغلی هوش اجتماعی می‌باشند.

تعاریف هوش اجتماعی

به طور کلی دو مکتب مجزا به هوش اجتماعی می پردازند: نخست مکتب روان شناسی است که هوش اجتماعی را یک توانمندی می داند و دومین مکتب آن را از حوزه اختصاصی روان شناسی خارج کرده و وارد حوزه علوم اجتماعی و سازمانی کرده است. هوش اجتماعی به توانایی-های فرد که ایجاد روابط اجتماعی مناسب را میسر می‌سازد اطلاق می‌شود (اله یاری، ۱۳۸۹). علم عصب‌شناسی کشف کرده است که طراحی مغز انسان به گونه‌ای است که او را موجودی اجتماعی می‌سازد، یعنی هر زمان که با کسی سر و کار پیدا می‌کند، به گونه‌ای اجتناب ناپذیر وارد یک رابطه‌ی صمیمانه‌ی مغز به مغز می‌شود(بلوچ: ۱۳۸۹).

مغز انسان پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین ارگانی است که در جهان شناخته شده است. در نتیجه سر و کار داشتن با تعداد زیادی مغز کار بسیار سخت و دشواری است و برقراری ارتباط خوب با آن‌ها نشانه نبوغ است. افرادی که هوش اجتماعی بالایی دارند باید از تمام توانایی ذهن و جسم خود برای برقراری رابطه و درک دیگران استفاده کنند. آن‌ها باید رفتارهایی را بیاموزند که دیگران را به برقراری رابط و دوست شدن با آن‌ها تشویق کند و باید بدانند چگونه با دیگران دوست شوند و این دوستی را حفظ نمایند، هوش اجتماعی شامل مهارت‌های مختلفی می‌شود که قابل یادگیری و رشد هستند (بوزان، مینویی:۱۳۸۴). هوش اجتماعی از ارج و ارزش بالایی برخوردار است.

هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار یا عملکرد هوشمندانه است. برای تعریف مفهومی هوش اجتماعی، والنیوس، پوناماکی و ریمپلا [۳](۲۰۰۷) هوش اجتماعی را درک بهتر از روابط بین انسانها، احساسها، افکار و رفتارها تعریف کرده اند. هوش اجتماعی اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده ای از مهارت ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولا به آن دسته از مهارت ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولا به آن دسته از مهارت های درون فردی و بین فردی اطلاق می گردد که فراتر از حوزه مشخصی از دانش های پیشین، مهارت های فنی یا حرفه ای است (بوزان، ۱۳۸۴).

سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) مؤلفه‌های هوش اجتماعی را شامل: ۱- پردازش اطلاعات اجتماعی، ۲- آگاهی‌های اجتماعی و ۳- مهارت‌های اجتماعی و می‌دانند (عصاری، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵). پردازش اطلاعات اجتماعی، به توانایی فهم و پیش بینی رفتارها و احساسات دیگران اطلاق می‌شود (اسلوب، ۱۳۸۹: ۹۴). آگاهی‌های اجتماعی به معنی درک شایسته و درخور نگرانی‌ها و سایر احساسات دیگران از ستون‌های موفقیّت در فعالیت‌های اجتماعی است. در این استراتژی، همدردی از جمله زمینه‌هایی می‌باشد که عاملان قدرتمند را از عاملین عادی و متوسط تمیز می‌دهد(سبحانی نژاد و یوز باشی،۱۳۸۷). مهارت‌های اجتماعی بر مدیریت روابط، نفوذ ارتباطات، مدیریت تعارض، رهبری، تغییرات مرزهای ساختاری، همکاری گروهی و تشریک مساعی تأثیر بسزایی دارد (عصاری، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵).

[۳]. Wallenius, Punamaki & Rimpela

هوش اجتماعی از دیدگاه گاردنر

هاوارد گاردنر هفت نوع جداگانه‌ی هوش در زمینه آموزشی را بررسی کرده است که این هفت نوع هوش عبارت‌اند از: هوش کلامی یا هوش زبانی- هوش وابسته به منطق و ریاضی- هوش مربوط به امور فضایی و حجمی یا هوش دیداری- هوش موسیقایی یا هوش ریتمیک- هوش مربوط به حرکات جسمی یا هوش بدنی جنبشی- هوش درون‌نگر یا درون فردی- هوش میان فردی(طباطبایی: ۱۳۸۸). گاردنر معتقد است که انسان ها برای هر مسأله خاصی، هوش مربوط به آن مسأله را به کار می برند.

گاردنر و هچ مؤلفه‌های هوش اجتماعی را بدین گونه مطرح کرده‌اند:

۱- سازماندهی گروه: این مهارت که برای رهبران ضروری است، به دست گرفتن ابتکار عمل و هماهنگ ساختن تلاش‌های گروهی از مردم است. این استعداد در کارگردانان یا تهیه‌کنندگان برنامه‌های نمایشی، درجه‌داران ارتش، رهبران کارآمد هر نوع سازمان و واحد مشاهده می-شود.

۲- ارائه راه حل: استعداد میانجی‌گری، اجتناب از تعارض یا حل تعارض‌هایی که سر بر آورده‌اند. افرادی که این توانایی را دارند در انجام گرفتن معاملات و همچنین بر داوری کردن یا وساطت در مشاجرات توانایی زیادی دارند.

۳- ارتباط فردی: این استعداد وارد شدن در رویارویی با دیگران و یا شناخت و پاسخ دادن مناسب به احساسات و علایق مردم را آسان‌تر می-سازد که هنر برقراری ارتباط نامیده می‌شود.

۴- تجزیه و تحلیل اجتماعی: به معنای توانایی دریافت احساسات، انگیزش‌ها و علایق دیگران و داشتن درکی عمیق از آن می‌باشد. این آگاهی نسبت به احساسات دیگران باعث می‌شود که آنان با سهولت با دیگران صمیمی و مرتبط شوند. در بهترین حالت فرد با این توانایی، درمانگر یا مشاوری توانا می‌شود (اسلوب، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۴).

گاردنر هوش درونی افراد را به عنوان توانمندی و اقتدار شخصی به منظور دسترسی اثربخش به زندگی هیجانی درونی خودش و هوش بین فردی را به عنوان توانمندی و قدرت فردی به منظور ایجاد وجه ممیزه در میان افراد دیگر معنا کرد. گاردنر هوش اجتماعی را به عنوان دو هوش درون فردی و برون فردی به طور مجزا نگاه کرد، اما او آنها را به عنوان ساختارهای مرتبط می‌نگرد (اله یاری، ۱۳۸۹: ۱۹).

گاردنر می‌گوید کسانی که هوش بین فردی قوی دارند، یعنی از هوش اجتماعی بالایی بهره می‌برند در درک و تعامل با افراد دیگر خوب هستند.، این افراد در ارزیابی احساسات ، انگیزه ها ، تمایلات و اهداف افراد اطراف خود مهارت دارند. گاردنر بر این باور است که افرادی که در هوش بین فردی قوی هستد، انتخاب‌های شغلی خوب مانند روانشناس، فیلسوف، مشاور، فروشنده و سیاستمدار برای آنان مفید و مناسب است(آرمسترانگ: ۱۳۸۲).

به گفته گاردنر ، هوش اجتماعی یک پتانسیل برای پردازش اطلاعاتی است که می تواند در یک محیط فرهنگی برای حل مشکلات یا ایجاد محصولاتی با ارزش در یک فرهنگ فعال شود. افرادی که دارای هوش اجتماعی هستند غالباً از بحث و گفتگو لذت می برند(اینترنت)

ویژگیهای هوش اجتماعی

داشتن هوش اجتماعی باعث می شود تا با دیگران ارتباط بهتری داشته باشیم و توانایی تفاهم و مدیریت در مردان و زنان نشانه هوش اجتماعی است. گاردنر در نظریه هوش‌های چندگانه از جمله توانمندی‌های هوش جمعی را این گونه بیان می‌کند: لذت بردن از روابط اجتماعی با همسالان خود، داشتن طبیعت رهبری، داشتن دو یا چند دوست صمیمی، برقراری ارتباط خوب با دیگران و احساس همدردی با افراد، و همچنین دیگران از بودن در کنار آن‌ها احساس لذت دارند.

برای ارزیابی هوش اجتماعی، علاقه های اجتماعی ، خودکارآمدی اجتماعی ، مهارت های همدلی ، مهارت های اجتماعی مدنظر گرفته می‌شود(Marlowe, 1986).

مهمترین توانایی‌های هوش اجتماعی اشخاص در دیدگاه گاردنر توانایی اهتمام و مبالات به افراد و متمایز بودن در بین آن‌ها، مخصوصا میان خلقیات، عادات، انگیزه‌ها و مقاصد آنان است. همچنین پی بردن به نیت‌ها و اوضاع و احوال دیگران به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به سادگی همدلی کنند. هوش اجتماعی یا هوش بین فردی به افراد کمک می‌کند که در حل معضلات توانمند بوده و به نحوه مطلوب تشریک مساعی کرده و راه حل کارآمد و عملیاتی ارائه دهند.

هوش میان فردی که همان هوش اجتماعی نامیده می‌شود از دیدگاه گاردنر ویژگی‌هایی با این عناوین دارد: مهارت در برقراری ارتباط کلامی، مهارت در ارتباط غیرکلامی، نگاه کردن به موقعیت‌ها از زوایای مختلف، ایجاد روابط مثبت با دیگران، مهارت در فرونشاندن اختلافات در داخل گروه‌ها(آرمسترانگ: ۱۳۸۲).

فردی با هوش اجتماعی بالا، به راحتی می‌تواند با دنیای بزرگ‌تر ارتباط برقرار کند. افرادی که هوش اجتماعی بالایی دارند با افرادی که دارای پیشینه، صنف فرهنگی و طبقه اجتماعی متفاوت دارند راحت تعامل برقرار می‌کنند و مهم‌تر اینکه باعث می‌شود آن افراد هم در کنار آن‌ها احساس آرامش کنند و راحت باشند (بوزان: ۱۳۸۴) توانایی رمزگشایی پیامهای غیرکلامی را می توان از نظر قانونی به عنوان بخشی از ساختار کلی هوش اجتماعی در نظر گرفت.

عوامل موثر بر پرورش هوش اجتماعی

تشخیص، توسعه و آموزش افراد با استعداد یکی از مشکلات شکل گیری پتانسیل خلاق جامعه مدرن است؛ هوش اجتماعی لزوماً حاکی از پیشرفت فکری یک فرد بالاتر از حد متوسط است و اصولا به عنوان یک دارایی شخصی در نظر گرفته می‌شود که فرد نه تنها می تواند آن را تشخیص دهد بلکه با افزایش و توسعه آن پیشرفت نیز خواهد کرد. رشد استعدادها بر اساس رابطه سه ساختار: هوش اجتماعی، خلاقیت و تعهد به کار انجام می‌شود. اصالت و ژنتیک از عناصر ساختاری اساسی هوش اجتماعی است (Leysan, 2014). تفاهم و حساسیت اجتماعی مغز بدین معنی است که عاقل بوده و درک کرده که نه فقط خلق و خو و روحیه افراد، بلکه همچنین زیست شناسی بدن، توسط انسان‌های دیگری که با آن‌ها زندگی می‌کنند، تعیین می‌شود و قالب‌ریزی می‌گردد، انسان‌ها و محیط جغرافیایی و اجتماعی بر احساسات و عواطف انسان تاثیر می‌گذارد و بدان شکل می‌دهد (گلمن:۱۳۸۹) عوامل طبیعی بیش از آنچه که منطقی باشد در هوش اجتماعی همکاری دارند. از این رو باید به نحوه زندگی کردن، زیست شناسی بدن و محیط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی زندگی اندیشید و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داد.

از جمله عواملی که بر هوش اجتماعی افراد اثرگذار است، استراتژی هایی می‌باشد که افراد از آنها برای دستیابی به اهداف مهم، تنظیم تجربیات عاطفی و دستیابی به اهداف مورد نظر در شرایط متنوعی استفاده می کنند(Zirkel, 2000).

در نظریات هاوارد گاردنر، هوش اجتماعی توانایی درک نیت‌ها، انگیزه و خواسته‌های دیگران است. این هوش به افراد امکان تعامل و کار کردن بهتر با دیگران را می‌دهد. کسانی که هوش میان فردی بالایی دارند در تعامل با دیگران و درک آن‌ها قوی هستند. این افراد در سنجش هیجانات، انگیزه‌ها و تمایلات کسانی که دوروبرشان هستند مهارت دارند و مهارت‌های آن‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

تشخیص نقاط ضعف و قوت خود، درک و بررسی خود، آگاهی از احساسات درونی، تمایلات و رؤیاها، ارزیابی الگوهای فکری خود، با خود استدلال و فکر کردن، درک نقش خود در روابط با دیگران(آرمسترانگ: ۱۳۸۲).

راه‌های افزایش هوش اجتماعی

از آنجا که هوش اجتماعی، عملکرد هوشمندانه و درک بهتر روابط بین آن‌ها بوده و دارای قابلیت تعالی و افزایش است افراد مختلف می‌توانند با استفاده از روش‌های پیشنهاد شده در این پژوهش به رشد و تقویت این مبحث مبادرت ورزند. با روش‌هایی چون: ۱- هماهنگی حرکات بدنی با گفتار ۲- افزایش معاشرت و ارتباط خود با دیگران ۳- آموزش اولیه در خانواده ۴- ارتباط و تبادل افکار و اطلاعات ۵- نهادینه کردن آموزش هوش اجتماعی در مدرسه و جامعه ۶- تقویت هنر شنونده بودن (گوش کردن به حرف‌های طرف مقابل) ۷- برخورد با فرد به آن صورتی که هست و استحقاق دارد ۸- ارزش قایل شدن برای سخنان افراد مقابل ۹- استفاده از کلمات زیبا، سنجیده و به موقع می‌توان هوش اجتماعی را تقویت کرد(مهرابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۹).

برای افزایش هوش اجتماعی باید مهارت‌های اجتماعی با استفاده از راهکارهای عملیاتی توسعه یابد که از آن جمله می‌توان بر گوش کردن با ذهن باز، علاقه‌مندی به همه‌ی موضوعات، افزودن بر قرار ملاقات‌ها و تعاملات، گسترده کردن دایره دوستان و آشنایان و آموزش هنر گفت‌گو تاکید کرد، با توجه داشت، اولین تصورات و آخرین برداشت‌ها همیشه بسیار مهم می‌باشند، از سوی دیگر از قبل برنامه‌ریزی داشتن، در جریان مسائل روز بودن، انجام گفت‌گوهای مناسب و انجام تمرین‌های رفتارهای اجتماعی مانند درست احوالپرسی کردن، خالصانه دوست داشتن، با خوش‌رویی خداحافظی کردن و ... را نیز می‌توان در عرصه افزایش هوش اجتماعی مد نظر گرفت(بوزان: ۱۳۸۴).

از جمله راهکارهای افزایش هوش اجتماعی این است که افراد از تمامی هوش‌های چندگانه برای افزایش و تقویت هوش اجتماعی بهره ببرند (بوزان:۱۳۸۴). با نگرش وسیع‌تر به هوش اجتماعی متوجه گستره امکانات هوش اجتماعی، از جمله حس همدلی و دلسوزی و مراقبت، را که

موجب تقویت روابط شخصی انسان می‌گردد، شده و عملکرد عاقلانه در روابط انسانی به عنوان یکی از راه‌های افزایش هوش اجتماعی مطرح می‌شود (گلمن: ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مطالعه و بررسی کتب و مقالات داخلی و خارجی نشان داد که هوش اجتماعی توانایی آشکار سازی حقایق شگفت‌انگیزی را در جامعه به ویژه جوامع مدرن دارا می‌باشد از جمله اینکه ایجاد روابط خوب با دیگران به افراد روحیه بخشیده و تضمین کننده سلامت روان و جسم انسان است. هوش اجتماعی به عنوان علمی جدید سرشار از بینش و خردمندی‌های معتبر و ثمین راجع به روابط انسانی در دنیای کنونی است. این پژوهش نشان داد افراد با هوش اجتماعی بالا دارای اعتماد به نفس خوبی بوده، از زندگی بینش و تصورات کلی دارند و همچنین برای آینده هدف مشخص کرده‌اند. تعالی هوش اجتماعی در نگرش مثبت افراد اثربخش بوده و با بالا بردن هوش اجتماعی از طریق افزایش مهارت‌های اجتماعی می‌توان عملکرد اجتماعی مطلوب و هوشمندانه داشت. بررسی‌های انجام شده نشان داد که افراد دارای هوش بین فردی گاردنر که همان هوش اجتماعی نامگذاری شده است در سنجش هیجانات، انگیزه‌ها و تمایلات کسانی که دوروبرشان هستند مهارت دارند. این مطالعه نشان می‌دهد روابط انسانی، تأثیرات پایدار، قدرتمند و ظریفی بر افراد می‌گذارند؛ در این راستا نحوه ارتباط افراد با دیگران، دارای اهمیت و ارج غیرقابل تصوری بوده که برای ارتباط با دنیای اجتماعی هوشیاری را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

منابع و مآخذ:

- آرمسترانگ، توماس؛ ذاکر، روح‌انگیز (۱۳۸۲). هوش‌های چندگانه، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۱۲ تا ۲۳.
- آریان پور، م، آریان پور، عباس. (۱۳۸۷). فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران: امیر کبیر.
- ارجمند، محسن، رفیعی، حسن. (۱۳۹۲). زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، تهران: انتشارات ارجمند.
- اسلوب، س.(۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش اجتماعی وقابلیت جذب دانش در میان مدیران مدارس شهر بوکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- اصغرزاده، داریوش؛ محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۳). رابطه بین هوش اجتماعی با نفوذ موثر کارکنان، تامین اجتماعی، زمستان، شماره ۴۵، از ص ۱۷۶ تا ۱۹۴.
- اله یاری، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش اجتماعی و رهبری اخلاق مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
- اینترنت، https://en.wikipedia.org/wiki/Theory_of_multiple_intelligences
- بوزان،تونی.(۱۳۸۴). نیروی نبوغ اجتماعی (ترجمه حوراد زاد صالحی). تهران: انتشارات پل. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷۷).
- بوزان، تونی، ترجمه: مینویی، سعید. (۱۳۸۴). قدرت هوش اجتماعی، تهران: انتشارات جیحون
- بیکزاد، جعفر. سلطان داداشی، معصومه. ۱۳۹۰، دامنه‌های هوش اجتماعی/ هوشیاری از جنس قرن بیست و یکم، توسعه مدیریت، شماره ۹۰، ص ۱۶-۱۰.
- رحیمی، حمید؛ افتخار، هماسادات، ۱۳۹۵، آموزش پرستاری: مرداد و شهریور، دوره ۵، شماره ۳ (پیاپی ۱۷)؛ از صفحه ۴۱ تا صفحه ۴۶.
- رضایی, اکبر, خلیل زاده, احد. ۱۳۸۸، رابطه بین هوش اجتماعی مدیران با رضایت شغلی معلمان مدارس. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه). از صفحه ۱۲۱ تا صفحه ۱۴۵.
- سبحانی نژاد، م ، یوزباشی، ع. (۱۳۸۷). هوش هیجانی و مدیریت در سازمان، تهران: نشر یسطرون
- سبزی، ندا؛ یوسفی فریده. (۱۳۹۳). بررسی الگوی علی هوش اجتماعی و خودکارآمدی در مهارتهای ارتباطی. مجله روانشناسی (علمی- پژوهشی/ISC). شماره ۷۰، ص ۲۰۹ تا ۲۲۵
- طباطبایی، مینو. (۱۳۸۸)، انواع هوش و کاربردهای آن در زندگی انسان، علوم تربیتی، پیودند، شماره ۳۶۲، از ص ۲۲ تا ۲۵.
- عصاری، م .(۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی آموزش تاریخ به دو روش بحث گروهی و سخنرانی بر میزان یادگیری دانش آموزان دختر پایه دوم متوسطه دارای هوش اجتماعی متفاوت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه بو علی سینا همدان.
- گلمن، دانیل، حمیدرضا بلوچ. (۱۳۸۹) هوش اجتماعی، قم: نشر رخ مهتاب
- محبی امین، سکینه، مهرام، بهروز. (۱۳۹۳). جایگاه پرورش هوش‌های چندگانه در مجله کمک آموزشی رشد، روان‌شناسی، دانشور رفتار (علمی- پژوهشی/ISC)، پاییز و زمستان، شماره ۵۳ ، از ص ۶۷ تا ۷۸
- مهرابی، م.، آشورزاده، ب، امیرتیموری، ش. (۱۳۸۶). هوش اجتماعی، مقالات دانش آموزی.
- نصیری ولیک بنی, فخرالسادات, شعبانی بهار, غلام رضا, گیلانی, مریم ,اسکندری, اصغر. (۱۳۹۲) بررسی رابطه بین هوش اجتماعی و هوش فرهنگی با کاربست سازمان یاد دهنده در اداره کل ورزش و جوانان استان همدان .پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. از صفحه ۱۱۳ تا صفحه ۱۲۸
- یزدانی, علی؛ رویا افراسیابی و هاشم عسکرزاده، ۱۳۹۲، هوش اجتماعی، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز، موسسه بین المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی، https://www.civilica.com/Paper-FNCAM01-FNCAM01_450.html

- Leysan Mudarisovna Zakirova1 & Irina Ivanovna Frolova (2014). Success of Training Activities Depending on the Level of Social Intelligence, Published by Canadian Center of Science and Education. doi:10.5539/ass.v10n24p112
- Zirkel, S. (2000). Social intelligence: The development and maintenance of purposive behavior. In R. Bar-On & J. D. A. Parker (Eds.), The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace (p. 3–27). Jossey-Bass.
- Marlowe, H. A. (1986). Social intelligence: Evidence for multidimensionality and construct independence. Journal of Educational Psychology, 78(1), 52–58. https://doi.org/10.1037/0022-0663.78.1.52